

گزارشی از سفر تبلیغی به آفریقا

ابوالقاسم حسن پور
بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه قرآن

این دو کشور دارای سرزمینی است سرسبز که نه فصل یخبندانی را به خود می‌بیند و نه گرمای سوزانی، و به همین جهت زمینه رشد گیاهان و دیگر محصولات بومی آن مناطق فراوان است. در تانزانیا از پایتخت آن دارالسلام (Dar-al-ssalam) تا شهر دودوما (Doudouma) حدود چهارصد و پنجاه کیلومتر و نیز در زامبیا از پایتخت آن لوساکا (Lusaka) تا لوینگستون (Livingston) با هم بین مقدار فاصله، تمام زمین پوشیده از درخت و بوته و گل و گیاه است.

به عنوان نمونه، در مزرعه‌ای مشاهده نمودم زمینی آماده کشت نیشکر بود و در همان جا نیشکری سبز، و نیشکری دیگر رسیده و آماده برداشت وجود داشت. بیا

این‌جانب به درخواست سرپرست نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در زامبیا و از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، چند نوبت برای تبلیغ معارف اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به آفریقا اعزام شده‌ام که اینک گزارشی را ارائه می‌نمایم.

در نخستین رویه‌ارویی، دیدار چهره سیاه ساکنان آن دیار چندان خوشایند به نظر نمی‌رسد. اما وقتی با آنان گفت‌وگو نموده، در کاری مشارکت می‌کنی در ورای این چهره سیاه، قلبی مهربان و متواضع می‌یابی که پذیرای سخن حق است. این حال مردم عادی آن دیاری است که من برای تبلیغ به آن جا رفته بودم؛ کشورهای زامبیا و تانزانیا.

در مرکز اسلامی کشورمان در زامبیا درخت اناری بود که گل انار و انار نارس و انار رسیده همزمان داشت و در طول سال هیچ‌گاه خشک نبود و میوه می‌داد. اما با این آب و هوای مناسب، از جهت اقتصادی وضعیت نامناسبی دارند و این یکی از آثار عدم استقلال واقعی است.

دین و مذهب و برنامه‌های دینی

تنها کشوری که در نواحی مرکزی و جنوبی آفریقا اکثریت جمعیت آن مسلمانان تانزانیاست و در بقیه کشورها اکثریت مردم مسیحی‌اند.

زامبیا نیز دارای دوازده میلیون نفر جمعیت است و حدود یکصد هزار مسلمان که در آنجا به سر می‌برند بیشترشان مهاجر و از اهل سنت می‌باشند.

مرکز اسلامی ما (جمهوری اسلامی ایران) در زامبیا در شهر لوساکا واقع است و همه برنامه‌های مذهبی شیعه در همان مکان انجام می‌گیرد.

این مرکز دارای یک مسجد به نام مسجد امام رضا (علیه السلام) و یک کتابخانه

عمومی است که بیشتر دانشجویان و محصلین مسیحی از آن استفاده می‌کنند و بیشتر کتاب‌ها به زبان انگلیسی است. یک کتابخانه نسبتاً اختصاصی نیز دارد که اکثر کتب آن عربی و فارسی است و مورد استفاده طیف دیگری است که بیشتر شیعه هستند. و یک ساختمان اداری هم دارد.

در شبهای جمعه مراسم سخنرانی و دعای کمیل برگزار می‌شود و در صبح‌های جمعه دعای ندبه خوانده می‌شود. شبهای چهارشنبه نیز دعای توسل برگزار می‌گردد. افراد شرکت‌کننده در این جلسات از شیعیان لبنانی، هندی، پاکستانی و بومی هستند.

نماز جماعت مغرب و عشا همواره در طول سال در مسجد امام رضا (علیه السلام) تشکیل می‌شود، که حضور شیعیان هندی و پاکستانی در این مراسم چشمگیرتر است؛ هر چند جمعیت آنان نسبت به شیعیان لبنانی کمتر می‌باشد.

در ماه مبارک رمضان و دهه عاشورا همه ساله برنامه‌های تبلیغی و مراسم عزاداری برگزار می‌گردد. مبلغ اعزلی معمولاً از کشورهای لبنان و ایران است و



مسلمانان الگو باشد. یکی از شیعیان پاکستانی مقیم به نام حاج برکت علی، سفری به پاکستان و ایران و عراق داشت، وی که از خیابان ولی عصر تهران نیز عبور کرده و وضعیت نامناسب حجاب بسیاری از دختران جوان را دیده بود، بسیار شگفت زده شده، ابراز تأسف می کرد.

بی شک دولت و ملت ما در اجرای قوانین مقدس شرع بلید بیشتر دقت و اهتمام داشته باشند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا»؛ مایه زینت و آبروی ما باشید نه بی آبرویی ما؛ یعنی هرگاه دیگران مسلمان شیعه را دیدند بگویند: این شیعه جعفر بن محمد است؛ بنگرید چگونه متدین، با

مطالب به زبان انگلیسی و گاهی به عربی ایراد می گردد.

شیعیان خارج از کشور از جمله آفریقا به کشور جمهوری اسلامی ایران علاقه بسیار زیادی دارند. آرم سردر مسجد شیعیان در شهر دودومای تانزانیا آرم جمهوری اسلامی ایران است. آنها ایران را تنها پایگاه شیعه و پشتیبان خود می دانند. نگارنده ملاحظه می نمودم هنگامی که در روزنامه های آنجا مطالبی درباره فشارهای غرب علیه ایران درج می شد، نگرانی و ناراحتی شیعیان بومی آنجا بیش از ما بود. آنها گمان می کنند و بجا انتظار دارند که روش زندگی دینی و فرهنگی ایرانیان برای شیعیان و دیگر

انصاف، دلسوز و مهربان است.

نکاتی درباره چگونگی برگزاری مراسم مذهبی در تانزانی

جمعیت شیعیان هندی در تانزانی که به نام خوجه‌ها معروف‌اند، جمعیتی بسته و انحصاری می‌باشد، اما چگونگی برگزاری مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام در بین آنان دارای نکات جالبی است:

اولاً در همه وفیات ائمه علیهم‌السلام در طول سال از سراسر شهر دارالسلام شیعان هندی و پاکستانی گرد هم آمده، در جلسه مذهبی مربوط شرکت می‌کنند. حاضران بعد از منبر و سخنرانی معمولاً با شام پذیرایی می‌شوند. ثانیاً در همه جا حسینیه و مسجد کنار هم ساخته شده، مراسم مذهبی و منبر و تبلیغ در حسینیه، و نماز جماعت در مسجد برگزار می‌گردد، تا هم از ثواب نماز در مسجد بهره ببرند، و هم بانوان معذور از نماز، از منبر و جلسات تبلیغی محروم نگردند.

ثالثاً در سال ۱۳۷۰، نگارنده برای مأموریتی سه ماهه به آنجا عازم شدم و دهه عاشورا را نیز آنجا بودم. در این دهه هر روز ظهر نماز جماعت و سخنرانی و عزاداری در مسجد و حسینیه برگزار می‌شد و بعد با ناهار پذیرایی می‌شدیم.

روز عاشورا فرا رسید، من در جریان برنامه نبودم. نزدیک ساعت یک بعدازظهر بعد از منبر منتظر ناهار بودیم، اما خبری نشد. مراسم عزاداری ادامه داشت تا هنگام عصر که علم ابوالفضل علیه‌السلام به زمین افتاد و مراسم اندوهبار عاشورا به پایان رسید. بعد برای هر نفر مقداری غذای ساده آوردند، فقط به اندازه‌ای که هم روزه نباشد و هم ضعف نکند، و از غذای هر روز خبری نبود، در این روز معنویت عزای حسینی کاملاً مشهود و محسوس بود. اما گاه به نظر می‌رسد برنامه عزاداری عاشورای برخی مراکز خود ما در ایران مانند عید به انواع خوردنی‌ها آراسته و از حقیقت و معنویت عزا و غم و اندوه بر ماتم جانسوز امام حسین علیه‌السلام خالی است و حتی در مواردی منبر و تبلیغ که غذای معنوی و اصلی این مجالس است به خاطر برخی ظواهر و پذیرایی‌ها تعطیل می‌شود. از این گونه مجالس انسان واقعاً تأسف می‌خورد که چرا فرع زائد بر اصل شده است.

زمینه تبلیغ

می‌شود گفت که در آفریقا زمینه تبلیغ اسلام و مکتب تشیع کاملاً فراهم است، فقط مبلغ مسلط حداقل بر زبان انگلیسی، توانا در تبلیغ، آشنا به مبانی تشیع و تسنن

و مسیحیت، و به‌ویژه دلسوز و متعهد ضروری است و مقداری سرمایه‌گذاری لازم است. به نظر نگارنده چون هدف همه تلاش‌ها حفظ و پیشرفت اسلام است، در این رابطه تبلیغ (منبر، کلاس و ...) به منزله خط مقدم و تحقیق و پژوهش به منزله پشت جبهه است.

مناسب نیست انسان از خود بگوید، اما برای ارائه تجربه به دیگران می‌نویسم: در تانزانیا کلاس‌های ما که با عنوان تاریخ اسلام، عقاید، اخلاق، و آموزش قرآن و عربی تشکیل شده بود، شاگردان همه اهل تسنن بودند و با علم به این‌که مدرسه (مدرسه دارالهدی در شهر دودوما) مدرسه جعفری است و عقاید و فقه جعفری تدریس می‌شود، به تحصیل در مدرسه مشغول شده بودند. آنان بعد از سه ماه کاملاً مذهب شیعه را شناخته، با علاقه آن را انتخاب نمودند. آن‌ها حدود بیست نفر بودند که در آغاز کلاس یک نفر نامش علی یا حتی محمد نبود، اما در پایان دوره، با اختیار خودشان اسامی اهل بیت (علیهم‌السلام) را برگزیدند.

در زامبیا نیز که کلاس‌هایی با همان عنوان تشکیل شد شاگردان کلاس همه دانشجویان و محصلین مسیحی بودند، در ماه چهارم ما موریتیم ده نفر اسلام و

مکتب تشیع را انتخاب نمودند و در سفر امسال (۱۳۸۷) که بعد از پنج سال انجام گرفت، بیش از آن تعداد، به اسلام گرویدند و اسامی اسلامی همچون محمد، علی، زهرا، حسن و حسین برای خود برگزیدند.

در شهر لوینگستون که یک شهر توریستی و در مرز زیمبابوه است، به تازگی مسجدی برای شعیبان ساخته شده که ماه مبارک رمضان امسال برنامه‌های تبلیغی من آن‌جا بود. خادم مسجد به نام رضا از دانشجویان مسیحی مسلمان شده در سفر قبلی این‌جا بود که هم‌اکنون ازدواج نموده و همسرش نیز مسلمان شده و خادمی مسجد تازه تأسیس را به او سپرده بودند. او در آغاز با تقیه در خانه با والدین خود رفتار می‌کرده، اسلام خود را اظهار نمی‌نمود، اما هم‌اکنون خودش پایگاه و وسیله‌ای است برای جذب افراد به اسلام، که قدم اول گرایش به اسلام تعدادی از تازه مسلمانان این سفر را، او برداشته بود.

اخلاق و رفتار فردی

مسیحیانی که من در آن‌جا مشاهده کرده‌ام، بیشتر افرادی مهربان و بی‌آزار و

صبورند و اگر حق را به آنان تفهیم کنی
آمادگی پذیرش دارند. سه دانشجوی
مسیحی که از اعضای کتابخانه بودند و
هر روز برای مطالعه می آمدند، بعد که
مسلمان شدند، نامهای رضا و حسن و
محمد را برگزیدند، در مدت بیش از سه
ماه، یک بار نزاع و مشاجره، حتی لفظی
بین آنان مشاهده نمودم. این صبر و
حوصله، توان اندیشه یکن و تشخیص و
قبول حق را بالا می برد.

در کلاس هایی که یاد شد، ابتدا وقتی
از محصلین و دانشجویان سؤال نمودم آیا
به تثلیث (Trinity) سه گانه پرستی: اب و
ابن و روح القدس (Father and son and
Holy Spirit) معتقدید؟ همه گفتند: آری،
اما بعد از معرفی قرآن و اسلام و عقلائی
و فطری بودن دستورات اسلام و مقایسه
قرآن و بائبل (Bible) و بررسی برخی
تناقض ها که در مطالب بائبل و عقلائی
مسیحیت وجود دارد، نادرستی و عقلائی
نبودن آن را توضیح دادم.

آن گاه که سؤال نمودم آیا باز هم به
تثلیث معتقدید، بسیاری گفتند: خیر. این
عقیده معقول نیست، و بدین گونه ستون
مهم اعتقادشان فرو ریخت و قدم اول در
پذیرش اسلام برداشته شد.

عبادت و پرستش پروردگار به وسیله

نماز به ویژه نماز جماعت جذابیته دارد که
شاید ما خود چندان متوجه نباشیم. وقتی
تعدادی از مسیحیان مسلمان شدند و نماز
جماعت ما را می دیدند، بیشترین چیزی که
در پی آن بودند جزوه آموزش نماز بود نه
کتاب های دیگر، تا هر چه زودتر به ما
بپیوندند و خداوند را به روش صحیح
عبادت کنند؛ این در حالی بود که آنان
پیش تر مسیحی بوده و عبادت خودشان در
کلیسا را نیز تجربه نموده بودند.

در این سفر دوم برخی از نوجوانان
تازه مسلمان شده در شهر لوینگستون،
کسانی که تلفظ یک کلمه عربی برای
آنان بسیار مشکل بود، در مدت یک هفته
نماز را آموخته، در نماز جماعت ما
شرکت می کردند. دستورات اسلام مطابق
فطرت بشر است، و فطرت سالم، پذیرا و
مشتاق آن است.

آری در آن جا چهره ها سیاه است، اما
در ورای این چهره سیاه چه بسا قلب های
سفید و نرم و آماده برای هدایت وجود
دارد. بر ماست که برای دستگیری و
رهنمود دادن به آنان کوشش و هزینه
بیشتر کنیم.